



گزشتہ

فصلنامه اطلاع رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه شناسی و ایران شناسی

دوره سوم، سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱ [انتشار: تابستان ۱۴۰۳]

«میراث جهان ایرانی»، چهارمین نشریه میراث مکتوب • فرمان تولیت بقعه ابوسعحاقیه مصلای شیراز، کارگاه نسخه نویسی در سده نهم / عبدالله شیخ الحکامی • باب الفاظ کفر از جواهر الفقه محمد بن منصور بخاری (تألیف نیمه قرن ۶ ق) / حمیدرضا بابک سلطانی • فصلی در الفاظ کفر از کتاب الولد الشقیق و الحافظ الخلیق (همراه با نگاهی به رساله سیصد و ده کلمه در الفاظ کفر به تصحیح رسول جعفریان) / سعید لیاد • نگاهی دوباره به واژه «سامان» در مصرعای از شاهنامه / رضا غفوری؛ نسخه ای از قصیده البرده منسوب به خوشنویس شهیر، یاقوت مستعصمی / رانلا وت؛ ترجمه، امیرحسین داوودنی • پسر گمراه نوح در قرآن / گابریل سید ریولیز؛ ترجمه: نسیم حسینی • آیا سفونما، نوشته ناصر خسرو قبادلی است؟ / سعیدرضا توکل صابری • رباعیات کافی ظفر همدانی و قطب الدین عتیقی آهروی در سفینه رباعیات دانشگاه استانبول / علی کامل • یادگاری از ایران شناس عارف، لئونارد لویسن / مهرداد کویانی • نگاهی به فهرست نمایشگاه نسخ خطی کتابخانه شخصی سلطان فاتح / علی منوری آقائمه • سعادت اهل فارس، درباره اتساب مؤلف تاریخ خلیج فارس به کازرون / محمداصف میرزابالاسی • ریشه شناس چه می کند؟ (۱۴) / سید احمدرضا قلمشانی • نویسنده ای که سراپا مهر بوده، سبزی در احوال و آثار محمد گلبن / مهدی بهخاک • زندگی و آثار صاری عبدالله اقلدی / نصرالله صالحی



فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون،
نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی
دوره سوم، سال هفتم، شماره سوم
پاییز ۱۴۰۱ [انتشار: تابستان ۱۴۰۳]

صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر و سرویراستار: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.com
gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۶۰۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: جلد لاک‌پوش و بته، متعلق به مصحفی
مورخ ۱۲۱۲ق، به نشانی M III 157 کتابخانه دانشگاه
بازل (Basel).

فهرست

سرشن

«میراث جهان ایرانی»، چهارمین نشریه میراث مکتوب ۴-۳

بستار

فرمان تولیت بقعه ابواسحاقیه مصلائی شیراز، کارگاه نسخه‌نویسی در سده نهم/ عمادالدین شیخ‌الحکامی ... ۷-۵
باب الفاظ کفر از جواهر الفقه محمد بن منصور بخاری (تألیف نیمه قرن ۴۶) / حمیدرضا بابک (بابک) سلمانی ۳۲-۸
فصلی در الفاظ کفر از کتاب الولد الشفیق و الحافظ الخلیق (همراه با نگاهی به رساله سیصد و ده کلمه در الفاظ
کفر به تصحیح رسول جعفریان) / سعید لیان ۴۶-۳۳
نگاهی دوباره به واژه «سامان» در مصرع‌های از شاهنامه / رضا غفوری ۵۱-۴۷
نسخه‌ای از قصیده البردة منسوب به خوش‌نویس شهیر، یاقوت مستعصمی / رافائلا ویت: ترجمه:
امیرحسین داوودندی ۵۸-۵۲
پسر گمراه نوح در قرآن / گابریل سعید رینولدز: ترجمه: نسیم حسنی ۷۰-۵۹
آیا سفرنامه نوشته ناصر خسرو قبادیانی است؟ / محمدرضا توکلی صابری ۸۱-۷۱
رباعیات کافی ظفر همدانی و قطب‌الدین عتیقی آهری در سفینه رباعیات دانشگاه استانبول /
علی کاملی ۸۴-۸۲

نقد و بررسی

یادی و یادگاری از ایران‌شناس عارف، لئونارد لوینسن / مجدالدین کیوانی ۸۸-۸۵
نگاهی به فهرست نمایشگاه نسخ خطی کتابخانه شخصی سلطان فاتح / علی صفری آق‌قلعه ۹۶-۸۹
سعادت اهل فارس: درباره انتساب مؤلف کتاب تاریخ خلیج فارس به کازرون / محمداصق
میرزابوالقاسمی ۱۰۱-۹۷

پژوهش‌های در باب تحقیق

ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۱۴) / سید احمدرضا قائم‌مقامی ۱۰۹-۱۰۲

آشنایی با نشرستانان و متن پژوهان (۸)

نویسنده‌ای که سراپا مهر بود: سیری در احوال و آثار محمد گلبن / مهدی بهخیا ۱۱۸-۱۱۰

ایران در متون و منابع عثمانی (۳۷)

زندگی و آثار صاری عبدالله افندی / نصرالله صالحی ۱۲۵-۱۱۹

گذشته‌است دو اثر از کارهایی که در زمان حیاتش موفق به نشر آن‌ها نشد، به‌همت همسر فداکار و یکی از شاگردان دلسوزش به چاپ رسید. عنوان اوّلی صوفیان و معارضان آن‌ها است که دو سال پس از فوت وی به چاپ رسید و نگارنده آن را در همین نشریه (گزارش میراث، ش ۹۰-۹۱) با تفصیلی نسبی معرفی کرد.

کتاب دوم، با عنوان سنت‌های باطنی در اندیشه اسلامی، گلچینی از متون درباب عرفان و گنوسیزم در اسلام نیز به‌اهتمام همسر لویسن و رضا تابنده، شاگرد و همکار او، اخیراً ویرایش و چاپ نهایی شده و قرار است در حوالی ششمین سالگرد وفات مؤلف، در مرداد ماه، منتشر شود.

این کتاب ارزنده، که ظاهراً جلد دومی هم خواهد داشت، اساساً گلچینی است از شماری آثار فارسی و عربی که به موضوع و کاربردهای علمی پرداخته‌اند که در کتب عرفان و تصوف زیر عناوینی همچون علم باطن، علم لدّتی، علم حضوری، حق‌الیقین، معرفت، عرفان و اصطلاحاتی از این دست تحلیل و بررسی شده‌است. چنین علمی، از بعضی جهات، در تقابل است با علم ظاهر، علم اکتسابی، علم دراسته، و دانش کتابی. عمده هدف لویسن جست‌وجوی اندیشه‌های باطن‌گرایانه در ایران و مناطقی است که از فرهنگ و اندیشه‌های عرفانی ایران تأثیر پذیرفته‌اند. او این گستره جغرافیایی را با اصطلاح «ایرانی‌وار / ایرانی‌مآب» توصیف می‌کند.

مقدمه بسیار عالمانه و مبسوط لویسن (بیش از ۵۰ صفحه) سخت خواندنی و حاوی آگاهی‌های فراوانی است که همه حکایت از مطالعات گسترده و موشکافی‌های محققانه مؤلف دارد. ارزش و معنای مطالب کتاب در متن چنان مقدمه‌ای بارزتر ظاهر و بهتر فهمیده می‌شود. بنابراین، شایسته است که مجملی از اهم مندرجات آن در این جا نقل شود:

علم باطن. از گفته‌های لویسن برمی‌آید که این علم معنا و کاربرد واحد و کاملاً مشخص و حدود و ثغور صددرصد ثابتی نداشته‌است و بُرد معنایی آن، نزد اهالی این علم، تا

5. LEWISOHN, Leonard, *Esoteric Traditions in Islamic Thought, An Anthology of Texts on Esoteric Knowledge and Gnostic in Islam*, translated and presented by Leonard Lewisohn, Oneworld Academic, 2024, London.

یادی و یادگاری از ایران‌شناس عارف لئونارد لویسن

مجدالدین کیوانی

سر دبیر دوفصل‌نامه علمی آینه میراث

شش سال پیش که ایران‌شناس و مولاناپژوه بنام، لئونارد لویسن، در ۶۵ سالگی به‌ناگهان در گذشت (۱۵ مرداد ۱۳۹۷/ ۶ اوت ۲۰۱۸)، دو یادگار از خود بر جای گذاشت: نام نیک و چند کار ناتمام. آن‌هایی که با خاورشناسی و خاورشناسان آشنایی دارند، به‌ویژه عرفان‌شناسان و مولاناپژوهان، عموماً اذعان دارند که لئونارد لویسن یکی از غربی‌های ایران‌دوست صادق و خالصی بود که از نوجوانی تا لحظه جان دادن به ایران و مشاهیر معنوی و عارف‌مشریان نامور این سرزمین می‌اندیشید، تکاپو و مطالعه می‌کرد، می‌نوشت و صمیمانه تلاش می‌کرد که فرهنگ والای این سرزمین و چهره‌های کم‌نظیر آن، به‌خصوص حضرت مولانا جلال‌الدین را به غرب‌نشینان عموماً غرق در تعلقات مادی بشناساند. خوشبختانه تا حد معتنا بهی نیز توفیق یافت. عمری کوتاه اما پر بار داشت.

و اما، او هم کارهای ناتمام بر جای نهاد هم آرزوهای برنیآورده در عرصه ادب و فرهنگ ایرانی. پختگی و توانِ ثمربخشی لویسن در حد کمال بود که، از بد حادثه، ناگزیر به ترک جایگاهی در پژوهش‌های ایرانی شد که پر کردن آن به این زودی‌ها بعید می‌نماید.

نشر دو کتاب

خوشبختانه در عرض شش سالی که از فقدان لویسن

کرانه‌های مدیترانه، شامل بت‌پرستی اقوام سامی مستقر در خاور نزدیک (از قبیل صابئین حَرّان که چندین سده تحت لوی اسلام به حیات خود ادامه دادند)؛ اعتقادات عرفانی مسیحی قرن دوم، شامل گنوسیزم^۳ اسکندرانی، مانویت، آیین مندائی؛ میترائیسم؛ آیین تائویی؛ الهیات عرفانی مسیحی (برخاسته از نواحی نسطوری و کلدانی‌های ایرانی، ارتدکس‌های بیزانسی، یا فرقه‌های مونوفیزی^۴، و حتی معتقدات یونانی و نوشته‌های تائویی^۵ آسیای میانه).

و اما جریان‌هایی که به نحوی مستقیم‌تر در شکل‌گیری تمدن اسلامی دخیل بوده‌اند حرکات باطن‌گرایانه‌ای هستند که در نظریه‌های نوافلاطونی اسلامی (مثلاً در رسائل اخوان‌الصفاء، صوفیه (عمدتاً سنی)، و اعتقادات باطن‌گرایانه شیعی (هم دوازده‌امامی هم اسماعیلی) نمود یافته‌اند. در واقع، رواج همین نگرش‌های باطنی در اندیشه دینی سرزمین‌های خاور نزدیک بود که باعث اختلافات نامطلوب میان عارفان صوفی، از یک سو، و علما و فقها، از سوی دیگر، شد؛ زیرا عالمان متشرع محتوای کلام الهی را منحصر بر اساس عقل‌گرایی صرف^۶ و وجوه ظاهری آن تفسیر می‌کنند، در حالی که صوفی‌مشربان بیش‌ترین اعتبار را به عنصر رمز و نمادین‌گویی قرآن می‌دهند. این دو رویکرد موجب شد که دوگانه ظاهر-باطن در بیش‌تر حوزه‌های الهیات اسلامی رسوخ کند (ص ۴-۵).

لویسن سپس منتخبات خود را به انگلیسی ترجمه و با شرحی از احوال و آثار مؤلفان هر یک و توضیحات مفصل و متعددی به‌شکل پانویس همراه کرده‌است. تاریخ نگارش این متون برمی‌گردد به فاصله زمانی بین اواخر قرن چهارم تا اواخر قرن سیزدهم هجری. فصل‌های دوازده‌گانه کتاب به یازده صاحب‌نظر در حوزه علم باطن اختصاص یافته‌است. ذیلاً به نام مصنفان مورد بررسی و اهم رؤس مطالب فصل یا فصل‌هایی از آثار آنان، که لویسن ترجمه و تحشیه کرده‌است، اشاره می‌شود:

3. Gnocism/ Gnosticisim.
4. Monophysite.
5. Taoism.
6. Rationalism.

حدی سیال و متغیر بوده‌است، اگرچه اساس نظرهای ایشان در این باب یکسان است. تعریفی که لویسن از علم باطن در سنت اسلامی به دست می‌دهد مفاهیم عرفان، گنوسیسیم، کلام، اشراق، و متافیزیک را، به عبارتی، در هم آمیخته‌است. او می‌افزاید که این مفهوم در عربی «معرفت» و در فارسی عموماً «عرفان» خوانده می‌شود و در انگلیسی به‌عنوان «معنویت اسلامی» بهتر شناخته و فهمیده می‌شود. جالب آن‌که، بنا به گزارش لویسن، اصطلاح فرنگی «اسوتریسیزم»^۲ که می‌توان آن را نزدیک‌ترین معادل علم باطن یا باطن‌گرایی شمرد نیز دارای ابهام و کاربردهای متعدّد و متکثر بوده‌است. در مطالعات اروپایی نیز معنای این اصطلاح از مرزهای خود «سرریز» کرده، و بنابراین، کاربردها و معانی متعددی برای آن قائل شده‌اند.

به هر حال، در پژوهش‌های خاورشناسان، اسوتریسیزم و باطن‌گرایی (نگرش‌های باطنیه) عملاً (شاید با اندکی تسامح) معادل یکدیگر به کار گرفته شده‌اند. لذا، «اسوتریک» کمابیش همان مفهومی را القامی کند که باطنی در پژوهش‌های ایرانی-اسلامی. باطنی در گذشته به کسی اطلاق می‌شده که معتقد به این بوده که تأویلاتش از قرآن نه صوری و ظاهری، بلکه عمقی، استبطانی و ناظر به ژرفای آیات است. به همین سبب نیز در سده‌های میانی، عنوان باطنیه به اسماعیلیه داده شد، زیرا آنان برای قرآن معانی تمثیلی، رمزی و نهفته قائل بودند و معانی ظاهر را مردود می‌دانستند. البته مفهوم باطنی به اندیشمندان و الهیون اسماعیلی محدود نبوده‌است، بسیاری از اهل تصوف هم آن را برای سخنان رمزی و نمادین به کار گرفته‌اند.

یکی از نظرات جالب و قابل تأمل لویسن این است که خاستگاه تمدن اسلامی به‌واسطه شماری جریان‌ها و از سرچشمه‌های متعددی شکل گرفت. الهام‌بخش دسته‌ای از این جریان‌ها غیراسلامی بوده و دسته دیگر به طرز مستقیم‌تر منشأ اسلامی داشته‌است. توضیح آن‌که دسته اول از آبشخورهای چندگانه‌ای تغذیه می‌شد: عواملی از عهد عتیق، یعنی اواخر قرن سوم تا قرون هفتم و هشتم میلادی اروپا و

2. Esotericism/ esoterism.

شخص گردید، علم فقط به شدت گرفتن «مرض هوی» می‌انجامد (ص ۲۳۶-۲۳۷). کاشانی در جایی دیگر از علم لدنی سخن می‌گوید که دارای سه نوع است: وحی، الهام و فراست (ص ۲۴۶).

فصل هشتم. سید حیدر آملی (د. ۷۲۰ق)، نصّ النصوص فی شرح فصوص الحکم. سید حیدر نیز بین علمی که حاصل الهامات درونی است و علمی که به واسطه تلاش‌های شخصی به دست می‌آید، فرق قائل می‌شود. حصول علوم الهی مستلزم ریاضت، مجاهدت و خلوت‌گزینی است (ص ۲۵۹-۲۶۰).

فصل نهم. صائن‌الدین تُرکه اصفهانی (د. ۸۳۰ق)، مؤلف رساله شق القمر و ساعة، که قائل به دو گروه است: اهل ظاهر و اهل باطن. گروه دوم شامل محققین صوفیه و اهل شهود، رمزخوانان حروف قرآن، و صاحبان قدرت باطن و بصیرت است (ص ۲۸۷).

فصل دهم. ملاصدرا (د. حدود ۹۷۹ق) معروف به صدرالمتألهین، مفاتیح الغیب. ملاصدرا معتقد است که نور علم و ایمان حقایق را بر ما روشن می‌کند، همان‌گونه که نور خورشید پدیده‌های جهان مادی را بر ما می‌سازد.

فصل یازدهم. عبدالرزاق لاهیجی (د. ۱۰۷۲ق)، گوهر مراد. در این کتاب نیز سخن از علم لدنی یا باطن‌گرایی در اسلام در میان است که، به اعتقاد لویسن، نقطه مشترک کل سنت فکری اسلامی را تشکیل می‌دهد.

فصل دوازدهم. حاج ملاهادی سبزواری (د. ۱۲۸۹ق)، رسائل فارسی و عربی. بخش منتخب از این رسائل نظر این حکیم عصر قاجار را درباره حقیقت معرفت و راه‌های رسیدن به علم اسرار یا علم لدنی تبیین می‌کند.

کتاب‌شناسی. شامل گزیده‌ای از منابع سنت‌های باطنی در اندیشه اسلامی و مرجع ارجمندی برای کسانی است که می‌خواهند در حوزه معرفت‌شناسی و راه‌ها و گونه‌های مختلف حصول دانش - در سطوح مختلف و برای اهداف گونه‌گون - تحقیق کنند. تنها اهل درد معنوی و آشنایان

فصل اول. ابوبراهیم مستملی بخاری (د. ۴۳۴ق)، شرح تعرّف، که برگردان فارسی اثر معتبر ابوبکر محمد کلابادی با عنوان کتاب التّعرف لِمذهب اهل التصوف است. در این گزیده، مؤلف به علم معرفت در نزد صوفیان پرداخته است.

فصل دوم. ابوحامد محمد غزالی (د. ۵۰۵ق)، الرسالة اللدنی، که منشأ علم را مستقیماً محضر الهی و عالم غیب می‌داند که بر اثر ایجاد احوال عارفانه متحقق می‌شود. غزالی چنین علمی را دانش صوفیانه می‌خواند که نه فلسفی و کلامی بلکه اساساً «اسلامی» است.

فصل سوم. رشیدالدین میبدی (د. ۵۲۰ق)، کشف الاسرار و عُدّة الأبرار، شامل تفسیر صوفیانه مبسوطی از قرآن، و متأثر از کتاب سوانح احمد غزالی است.

فصل چهارم. رشیدالدین میبدی، کشف الاسرار. در متن منتخب، لویسن برای نشان دادن سه گونه علم در اسلام (تعلیمی، استدلالی و لدنی) به تفسیر میبدی (سوره مائده (۵)، آیه ۹۸) استناد می‌کند.

فصل پنجم. عین القضاة میانجی همدانی (مقتول ۵۲۵ق)، تمهیدات، حول محور خودشناسی به عنوان شرط و مقدمه خداشناسی، و این که حدّ نهایی شناخت خود خویشتن شناخت «نفس محمّدی» است دور می‌زند. در این مقام است که شخص به ذات الهی معرفت پیدا می‌کند، یعنی فقط با شناخت روح پیامبر اسلام است که معرفت به ذات خداوند ممکن می‌شود (ص ۱۸۳).

فصل ششم. محیی‌الدین ابن‌العربی (د. ۶۳۹ق)، فتوحات مکیّه. شش متن منتخب از این کتاب عمدتاً ناظر به توضیح تفاوت میان علم، کشف و معرفت است و این که علم فقط می‌تواند از مسیر کشف به دست آید و نه از طریق عقل و نظر.

فصل هفتم. عزالدین محمود کاشانی (د. ۷۳۵ق)، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، که در بخش‌هایی از آن، به تفاوت علم ظاهر با علم باطن تصریح شده و این که وقتی قلب گرفتار عشق دنیوی شد و «اخلاق ردیّه» عارض

او حتی ابراز تأسّف می‌کند که نه تنها غریبان، بلکه ایرانیان هم عموماً چندان خبر ندارند که سنّت باطن‌گرایی بر گستره عظیمی از اندیشه‌ها، نگرش‌ها، عادات و اعمال و رفتار آن‌ها تأثیرات عمیقی گذاشته است. او از غربی‌ها هم دلخور است که به باطن‌گرایی سده‌های میانی اروپا بی‌توجهی کرده‌اند: حرکتی که پیوندهای تاریخی با سنّت‌های اسلامی داشته و به پیش‌رفت رنسانس و عصر تنویر (یا روشنگری) کمک‌ها کرده است.

کوی پژوهش می‌تواند دریابد که لئونارد لویسن برای خواندن و گزینش این انبوه منابع چه مقدار از سرمایه عمر و نیروی خود را فدا کرده است. این مایه تلاش، تحمّل رنج و صرف نور چشم و عصاره مغز بر سر یکی از ناشناخته‌ترین عرصه‌های فکری ایرانی-اسلامی از یک محقق ایرانی در وطن خود امر غریب و شگفت‌آوری نیست، اما از فردی متعلّق به زبان و فرهنگی دیگر و مقیم هزاران فرسنگ فراسوی ایران غریب است و ستایش‌انگیز.

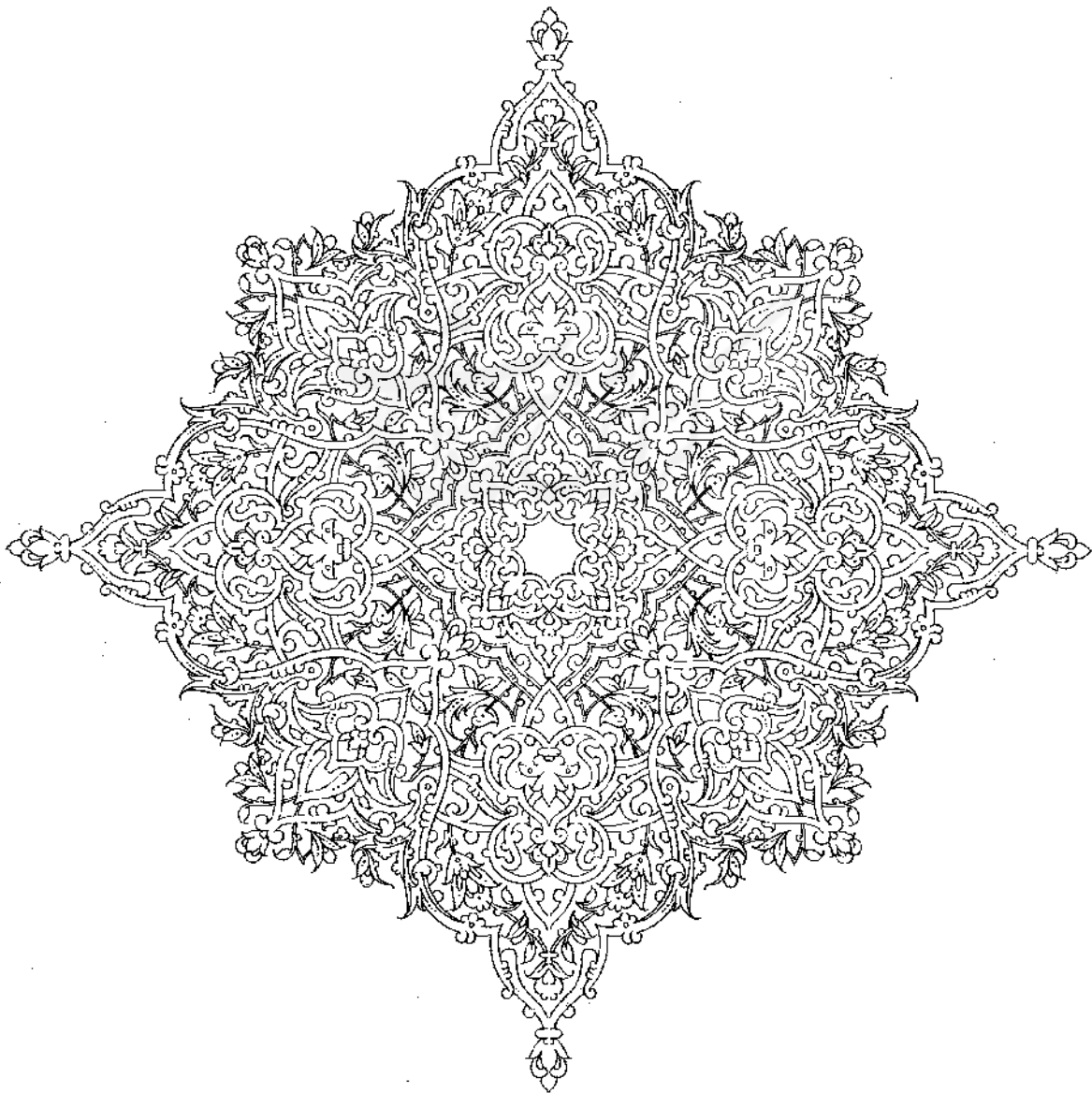


Table of Contents

Editorial

“The Legacy of the Iranian World”: Fourth Journal of The Written Heritage Research Institute 3-4

Articles

The Firman for the Supervision of Abu Ishaqqiyya’s Shrine in the Musalla of Shiraz: An Islamic Scriptorium in the 9th Hijri Century / Emadoddin SILEYKHOLHOKAMAEE 5-7

The Chapter on Alfaḍ-i Kufr (Heretical Utterances) from *Jawahir al-Fiqh* (Jewels of Fiqh) by Muhammad ibn Manṣūr al-Bukhari (Second Half of the 6th Hijri Century(?) / HamidReza (Babak) SALMANI 8-32

A Section on Alfaḍ-i Kufr (Heretical Utterances) from *Al-Walad al-Shafiq wa-l-Hāfid al-Khalīq* (The Tender-Hearted Son and the Gentle Grandson), Including an Examination of the Treatise on 310 Heretical Utterances Edited by Rasoul Jafariyan / Saeed LAYAN 33-46

A Fresh Look at the word *Sāmān* in a Hemistich of *Shahname* / Reza GHAFOURI 47-51

A Copy of the Qaṣīdat al-burda Ascribed to the Famous Calligrapher Yāqūt al-Musta’ṣimī / Raphaella VELLU; Translated by Amir Hossein DAVOUDVANDI 52-58

Noah’s Lost Son in the Qur’an / Gabriel Said REYNOLDS; Translated by Nasim HASSANI 59-70

Was the *Safarnāme* (Travelogue) Written by Nāṣir-i Khusraw? / MohammadReza TAVAKKOLI SABERI 71-81

Rubāṭiyyāt of Kāfi-i Zafar-i Hamedānī and Qutb al-Dīn-i Atiqī-i Aharī in the Anthology of the University of Istanbul / Ali KAMELI 82-84

Reviews and Critiques

In Memory and as a Memento of the Mystic Iranologist, Leonard Louison / Majdoddin KEYVANI 85-88

An Examination of the “*Sultan Fatih’in Şahsi Kütüplüğü*” *Yazma Eser Sergisi Kataloğu* (The Personal Library of Sultan Fatih; Catalogue of Manuscript Exhibition) / Ali SAFARI AQ-QALEHI 89-96

Sa’adat-i Ahl-i Fārs (Prosperity of the People of Fārs): On the Attribution of the Author of *Tarikh-i Khaliq-i Fārs* (A History of the Persian Gulf) to the City of Kazerun / MohammadSadegh MIRZAABOLGHASEMI 97-101

Essays on Research

What Does an Etymologist Do? (14) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI 102-109

Introducing Codicologists and Textual Scholars (8)

A Benevolent Author: An Exploration of Muhammad Gulbun’s Life and Works / Mehdi BETIKTAL 110-118

Iran in Ottoman Texts and Sources (27)

Life and Works of Sari Abdullah Efendi / Nasrollah SALEHI 119-125